



بانوان محله فردوسی، حرفه قدیمی لحاف دوزی را زنده کردند

سوزن در دست زنان کارآفرین

میترا صدرا دو مغازه سر یک خانه قدیمی قرار گرفته و کارگاه بانوان محله است. وارد می شوم؛ لحاف و تشکی آماده تحویل به مشتری دیده می شود. نقش و نگارش گل های سبز است و روی آن ها که دست می کشیم، همانند لحاف کرسی های قدیم، خنک و نرم است. به دنبال اومی گردیم و همه می گویند که در حیاط پشت مغازه مشغول چوب زنی است! عصمت خانم زبیراند از رازیر سایه طاق درخت انگور پهن کرده است و با چوبی بلند، محکم روی تشک بزرگ می زند تا پنبه های داخل آن باز شود و به اصطلاح گلوله نداشته باشد. خانم دیگری هم در سایه درختان نشسته است و روی تشک دوخت می زند. اینجا کارگاه لحاف دوزی محله فردوسی است که تعدادی از بانوان صفر تا صد کار دوخت لحاف را بر عهده دارند و کسب و کارشان پر رونق است.

اوست. منیژه لحاف دوزی را خیلی دوست دارد و طرح های خلاقانه می زند و آن ها را با مروارید به زیبایی تزیین می کند. اومی گوید: کار را در کودکی از مادرم یاد گرفتم. به دست هایش نگاه می کردم و می دیدم چطور سوزن را با ظرافت و سرعت از بین پشم و پارچه رد می کند و نقشی زیبا به یادگار می گذارد. حالا خودم با توجه به سلیقه مشتری برایش نقش روی لحاف را طراحی می کنم. طاق، ترنج، قلب و جفت قوا از طرح هایی است که با کمی خلاقیت تغییر می دهم و آن را زیباتر اجرا می کنم.

روبالشی های بتول خانم

بتول توپکانلو ۴۵ سال دارد و خودش سرپرست خانوار است. از آن دسته آدم هایی است که آرام و قرار ندارند. همه نوع کاری انجام داده است، مثلاً گل کاری یا چیدن محصولات کشاورزی سرزمین. مدتی را هم از صبح تا پاسی از شب شلوار کردی برای زندانیان دوخته و البته همان موقع آرتروز گردن گرفته است. اما این روزها کنار دست عصمت خانم کارهای سبک تر خیاطی را انجام می دهد. دوخت روبالشی ها بر عهده اوست.

جای خالی حمایت

عصمت خانم از بازار خوب این شغل قدیمی می گوید که اگر از آن حمایت شود، بهتر هم خواهد بود. اومی گوید: دوست دارم کارگاهی بزرگ تر با چند چرخ خیاطی صنعتی داشته باشم. خانم های اینجا همه اهل کار هستند و هر چه از دستشان بر بیاید، انجام می دهند؛ از کار روی زمین گرفته تا گل فروشی، عطاری و سرویس مدرسه. اینجا بیشتر مردان کارگرند و با درآمد آن ها خرج خانه در نمی آید. تعدادی از زنان هم سرپرست خانوارند و نیاز به حمایت دارند. هیچ نهاد یا سازمانی از آن ها حمایت نمی کند. اگر بتوانم وام بگیرم، کارگاه را بزرگ تر می کنم تا تعداد بیشتری از بانوان سر کار بیایند. خیلی ها برای کار می آیند و می گویند اگر چرخ دیگری باشد با ما کار می کنند، اما سرمایه برای خرید لوازم و بزرگ کردن کارگاه ندارم.

موفقیت پس از مشقت

اولین مشتری اش از اقوام بود؛ خاله بزرگش که برای دامادی پسرش سرویس خواب می خواست. عصمت هم با انگیزه و با همان تعداد محدود پارچه و بار، کارش را شروع کرد. کار را که تحویل داد، خاله راضی بود و دوباره برای خودش سفارش کار داد و تشک های قدیمی را آورد تا برایش نو کند. کار خوب پیش رفت و هر بار که لحافی را تحویل می داد، با پولش دوباره لوازم اولیه کار را می خرید. کم کم دوست و همسایه از مشتری های ثابت مغازه او شدند. کار آن قدر خوب پیشرفت کرد که حالا تعدادی همکار دارد.

هنوز هم هستند خانم هایی که پیش عصمت خانم می آیند و از او می خواهند تا کارگاه را بزرگ تر کنند تا آن ها هم بتوانند کنارش کار کنند و هزینه زندگی را در آورند.

کمک به فروش محصولات بانوان

سرویس های رنگارنگ آشپزخانه را روی میز کنار چرخ می چیند و برای مشتری که تازه از راه رسیده است، از کیفیت و زیبایی دوخت آن ها می گوید. نجمه عربی چهل سال دارد و به دلیل شغل همسرش ساکن محله فردوسی شده است. دوران کرونا بهترین زمان بود تا نجمه در کلاس های آنلاین آموزش سرویس آشپزخانه و سیمونی شرکت کند و خیاطی را بیاموزد. حالا او دو سالی می شود که دوخت هایش را به مغازه عصمت خانم می آورد. نجمه می گوید: از طریق دفتر بسیج با خانم بیبا آشنا شدم و فهمیدم که لحاف دوزی دارند. وقتی از علاقه ام به خیاطی گفتم، موافقت کردند تا کارهایم را برای فروش به اینجا بیاورم.

طاق و ترنج روی لحاف

سوزن بزرگ لحاف دوزی را در دست گرفته است و تند تند مروارید را روی طرح ترمه ای که انداخته است، می دوزد. منیژه علیزاده هفده سال می شود که ساکن اینجا است و دوخت و پر کردن لحاف و لحاف کرسی را از مادرش آموخته است. او هم برای کمک خرج خانه اینجا است و به عصمت خانم کمک می کند. قبلاً در خانه کار می کرده است، اما مشتری هایش کم بودند و حالا اینجا کارش رونق گرفته است. مسئولیت دوخت لحاف ها بر عهده



اولین لحاف را برای خودم دوختم

مغازه که سر خانه است، دو قسمت دارد. قسمت اول با پارچه پنبه، پشم و لایکو پر شده است و دفتر کار هم محسوب می شود؛ چون سفارش مشتری را اینجا تحویل می دهند. چرخ خیاطی هم برای دوخت و دوز سرویس رختخواب و آشپزخانه است. در قسمت دوم مغازه هم دستگاه پنبه زنی و تراز و های بزرگ گذاشته اند که با آن خواب پنبه و پشم را می گیرند. عصمت بیبا پنجاه سال پیش در محله فردوسی به دنیا آمده و بزرگ شده است. بعد از ازدواج از اینجا رفت و شش سالی می شود که دوباره به اینجا برگشته است. فعالیت اجتماعی هم دارد و علاوه بر کار خانه و مغازه، فرمانده پایگاه حوزه حضرت معصومه (ع) از ناحیه بلال هم هست. شروع کار لحاف دوزی او به چهار سال پیش برمی گردد. گویا برای خرید تشک به بازار می رود و جذب یک لحاف چهل تکه می شود اما قیمتش زیاد بوده است و تصمیم می گیرد خودش تشک و لحاف بدوزد. همان جا همراه همسرش به بازار می رود و به ارزش پول آن زمان ۳۰ میلیون تومان پارچه، لایکو، پشم و پنبه می خرد تا کار را شروع کنند.

سختی های آغاز راه

مادرش تجربه دوخت لحاف و تشک را داشته و عصمت خانم خوشحال است که می تواند از تجربه او استفاده کند. در باره روزهای ابتدای شروع کار می گوید: پدرم تازه به رحمت خدا رفته بود. تصمیم گرفتم با مادر کار کنم تا سرش گرم شود و تنهایی اش را فراموش کند. اما او پا به سن گذاشته بود و نمی توانست کمک کند. مایوس نشدم و سراغ فضای مجازی رفتم و با آنچه مادر به یاد داشت، کار را شروع کردم. اوایل خواهرهایم می گفتند: عصمت! از پس کار بر نمی آیی و هنوز مغازه را راه نینداخته، باید جمعش کنی. اما دوام آوردم.

کار برای عصمت جدی شد و تصمیم گرفت در این مسیر، خودش را محک بزند. ولی حادثه ای برای پسر بزرگش اتفاق افتاد و در تصادفی دچار ضایعه مغزی شد. با این حال عصمت پاپس نکشید و تصمیم گرفت کار را جدی تر دنبال کند. اومی گوید: خرج و مخارج زیاد شده بود و باید در هزینه خانه به همسرم کمک می کردم. خدا را شکر می کنم که به لطف خودش کار گرفت و حالا مشتری های بسیاری دارم و دو سال اخیر کار بهتر شده است.